

گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است. انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

قضاای

نحوه مطالبه خسارت ایام بازداشت

اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. ضرر و زیان‌های ناشی از بازداشت اعم است از مادی، معنوی و منافع ممکن‌الموصول موضوع ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری.

شخص بازداشت‌شده باید طرف شش‌ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد درخواست، این شخص می‌تواند طرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون ملی اعلام کند. کمیسیون استانی و ملی، هر کدام مشکل از سه عضو اصلی و به تعداد لازم عضو علی‌البدل است. قضات کمیسیون ملی و کمیسیون استانی توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شوند. صندوق زیر نظر وزیر دادگستری اداره می‌شود. این صندوق دارای مدیر و به تعداد لازم کارمنداست.

رسیدگی هر کدام از کمیسیون‌ها باید مسبوق به درخواست متقاضی حاوی مشخصات دقیق وی، نشانی و آدرس پست الکترونیکی، شعبه بازداشت‌کننده و شعبه صادرکننده قرار یا حکم برائت قطعی، مدت بازداشت، میزان و نوع خسارات وارده به پیوست تصویر مصدق قرار یا حکم موصوف باشد. ابلاغ الکترونیکی در مورد رسیدگی کمیسیون‌ها نیز پیش‌بینی شده‌است. موارد رد دادرس در خصوص اعضای این کمیسیون‌ها نیز پیش‌بینی شده که مطابق مصادیق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است. جلسات این کمیسیون‌ها با حضور اکثریت اعضا تشکیل می‌شود و صدور رأی با نظر اکثریت صورت می‌گیرد. نظر اقلیت باید به طور مستقل در صورت مجلس درج شود.

صندوق نیز حق اعتراض به رأی کمیسیون استانی را دارد. رأی کمیسیون ملی قطعی است. رأی صادره در چهار نسخه تنظیم می‌شود. دستور اجرای رأی توسط رئیس کمیسیون مربوط صادر می‌شود. برای اجرای رأی قطعی کمیسیون‌هایبازی به صدور برگ اجرائیه نیست. صندوق در صورت وجود اعتبار تکلف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ اعلام کمیسیون نسبت به پرداخت خسارت اقدام نماید.

گواهی



امضاهای موجود در ظَهر چک

یکی از مسائل بسیار مهمی که در خصوص چک همواره مطرح بوده، مربوط به «امضا» است.

در اسناد تجاری ممکن است امضاهای متعددی وجود داشته باشد که یکی از امضاها هنگام صدور این اسناد در آن درج می‌شود و نقش بسیار مهمی در آن ایفا می‌کند. این امضا که باعث می‌شود یک سند تجاری موجودیت پیدا کند و آثار حقوقی آن بار شود، توسط صادرکننده سند در سند تجاری درج می‌شود. علاوه بر این امضا، امضاهای متعددی نیز می‌تواند در ظَهر (پشت) این اسناد وجود داشته باشد که ممکن است بر اعتبار (ظَهر نویسی) یا ضمانت در آن درج شده باشد. در صورتی که هدف از امضای سند انتقال آن به دیگری باشد، شخصی که سند به نفع او امضا شده‌است، از آن پس زارنده چک نقلی شده و تمامی حقوق و مزایای آن چک به او انتقال پیدا می‌کند. انتقال چک به دیگری تنها از طریق ظَهر نویسی امکان‌پذیر است. گاه امضای مندرج در ظَهر چک نه برای انتقال چک به دیگری بلکه برای ضمانت است یعنی وقتی که شخصی چکی را صادر می‌کند، ممکن است ذی‌نفع (زارنده چک یا کسی که چک به نام او صادر می‌شود) از او ضامن بخواهد. در این حالت شخص ثالثی ظَهر چک را به عنوان ضامن امضا نموده و بدین نحو تضمین می‌کند که در صورت عدم پرداخت مبلغ چک از سوی صادرکننده آن، مبلغ چک را تماماً بپردازد. این نوع امضای زمانی در چک درج می‌شود که صادرکننده چک از حیث اعتبار مورد تأیید دارنده چک نباشد و بخواهد از این طریق تضمینی برای وصول مبلغ چک به دست آورد.

■ **تفاوت آثار امضا**

تفاوت نخست، طبق مقررات قانون تجارت زارنده چک در صورتی می‌تواند به ظَهر نویس مراجعه و مبلغ مندرج روی چک را مطالبه کند که ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ سررسید اعتراض کرده باشد و طرف مدت یک سال یا دو سال از تاریخ اعتراض، اقامه دعوا کرده باشد. در غیر این صورت نمی‌تواند برای وصول مبلغ چک به ظَهر نویسان مراجعه کند. این در حالی است که رعایت این مواعد برای مراجعه به ضامن الزامی نیست و زارنده چک در هر صورت می‌تواند برای وصول مبلغ چک به ضامن مراجعه کند؛ خواه این مواعد را رعایت کرده و خواه رعایت نکرده باشد. در این حالت اگر مواعد را رعایت نکرده باشد نمی‌تواند به ظَهر نویس مراجعه کند و همچنین اگر ظَهر نویس دارای ضامن باشد، حق مراجعه به او را نیز نخواهد داشت.

تفاوت دوم، مسئولیت ضامن تابع مسئولیت کسی است که از او ضمانت شده است. اگر شخص الف از شخص ب شخص ب ضمانت کرده باشد و مسئولیت شخص ب به یکی از دلایل از بین برود، این امر موجب از بین رفتن مسئولیت ضامن هم می‌شود؛ یعنی اگر زارنده چک به هر علتی حق مراجعه به مضمون عنه (کسی که از او ضمانت شده‌است) را از دست بدهد، به تبع آن دیگر حق مراجعه به ضامن را هم نخواهد داشت اما در خصوص ظَهر نویس اینگونه نیست و اگر حق برتبه و نشانه‌های وجود داشته چک از بین برود، زارنده چک همچنان حق مراجعه به ظَهر نویس را خواهد داشت.

■ **چگونگی تشخیص نوع امضا**

در رابطه با اثبات نوع امضا گاهی کسی که ظَهر چک را امضا می‌کند، صراحتاً قید می‌کند که به چه منظور دارد پشت چک را امضا می‌کند. در این حالت مشکلی در خصوص اثبات این مطلب که امضا از چه نوعی می‌باشد، وجود ندارد. در برخی موارد امضاکننده تصریح نکرده که از چه باب چک امضای می‌کند، در این حالت اگر قرینه و نشانه‌های وجود داشته باشد، مثل اینکه شخص ثالث ظَهر چک را امضا کرده یا اینکه شخصی که از قبل با زارنده چک ارتباط معاملاتی داشته آن را امضا کرده‌است، می‌تواند به دادگاه کمک کند که نوع چک را تشخیص دهد. اگر هم هیچ تصریحی از سوی امضاکننده وجود نداشته باشد و زارنده هم نتواند قرینه‌ای به دست بیاورد، در این حالت گفته می‌شود باید اصل را بر این بدانیم که این امضا یا باب ظَهر نویسی بوده هر کس ادعا دارد امضاکننده از باب ضمانت آن را امضا کرده‌است، باید ادعای خودش را اثبات کند.

چهارشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۷ | ۱۸ ذی‌العده ۱۴۳۹

گزارش یک

نیره ساری

قانون، دیه زن و مرد را برابر می‌کند

با این که در عمل دیه زنان و مردان برابر پرداخت می‌شود

اما نمایندگان مجلس در صدندن متون قانونی ناظر به این موضوع را بازنگری کنند



مسئله برابری دیه زن و مرد و تساوی حقوق آنها در این زمینه از جمله موضوعات بحث‌برانگیزی است که هر از چندگاهی مطرح می‌شود. این بار نیز رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی به تازگی از آماده شدن طرحی برای تساوی دیه زن و مرد خبر داده است؛ طرحی که بر مبنای آن فراتر از برابری از طریق پرداخت

نصف بودن دیه زن‌ها به نسبت مردان، همواره از مسائلی بوده که دستاویز بحث و مجادلات بسیاری شده است. برخی معتقد هستند امکان برابری دیه زن و مرد به لحاظ شرعی وجود ندارد و از آنجایی هم که در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است مابه‌التفاوت دیه از برخی منابع تعیین شده

پرداخت شود، ضرورتی برای تغییر مبنای قانونی آن وجود ندارد. هر چند باید گفت در ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی آمده است که «دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است» اما مخالفان در بیان دلایل خود معتقد هستند با تغییراتی که در حال حاضر در جامعه رخ داده است (ظَهر نویسی) یا ضمانت که زنان همانند مردان در جامعه فعالیت می‌کنند و در رشد اقتصادی کشور بسیاری تأثیر گذار هستند پس از همین حیث باید دیه برابری داشته باشند. برخی معتقدند دیه مجزاتی است که بابت جنایات ارتکاب یافته علیه جسم و جان افراد، قابل اجراءست و برخی دیگر نیز بر این باورند که دیه نوعی غرامت است؛ به دلیل خسارتی که بر جسم یا جان دیگری وارد شده، مرتکب باید غرامتی بدهد که نام آن از لحاظ فقهی «دیه» است. طبق نظر برخی

حقوقدان‌ها دیه مفهومی میان این دو است که هم ویژگی‌هایی از مجازات و هم ویژگی‌هایی از جبران خسارت و غرامت دارد. در حقیقت یک مفهوم ویژه زن و مرد به لحاظ شرعی وجود ندارد و از آنجایی هم که در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است مابه‌التفاوت دیه از برخی منابع تعیین شده

■ **بررسی فقهی دیه تا حد ثلث**

در توضیح بیشتر این مطلب باید گفت دیه زن و مرد در اعضا تا حد ثلث مساوی است. یعنی اگر مردی بر اعضای زنی جنایت وارد کرده باشد؛ مثلاً انگشت او یا یکی دیگر از اعضای بدن او را قطع کرده باشد، مرد قصاص می‌شود و این در صورتی است که دیه عضوی که قطع کرده است با نظیر جنایتی که در همان عضو به وی می‌شود، برابر باشد. اگر مردی یک انگشت یا انگشت دوم و سوم زنی را قطع کند، دیه زن و مرد برای هر انگشت مساوی است؛ چون دیه زن و مرد تا ثلث نسبت به اعضا مساوی است، چراکه دیه نفس کامل مرد، همان گونه که در بحث دیات می‌آید، ۱۰۰ شتر است. بنابراین تا جایی که دیه اعضای زن از ثلث این مقدار تجاوز نکند، با مرد مساوی است ولی اگر از ثلث بیشتر شود، مرد مرتکب باید غرامتی بدهد که نام آن بردن انگشت هم در زن و هم در مرد ۱۰ شتر، دو



روزنامه جوان | شماره ۵۴۳۳

حقوقی

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۴۰

در فقهه این مسئله مطرح بوده که وقتی میزان دیه صدمات وارده یه زن از ۳۰ درصد دیه کامل فراتر رود، دیه زن نصف خواهد شد. گفته می‌شود با این سخن از لحاظ موازین فقهی، ارزش انسانی زن نصف ارزش انسانی مرد است، اما علت پیش‌بینی چنین چیزی این بوده که مردان نسان آوری خانواده را بر عهده داشتند

در وضعیت کنونی با توجه به نان آور بودن زنان در جامعه و وضعیت اقتصادی امروز تا حدی دفاع از این موضوع مشکل به نظر می‌رسد.

■ **پرداخت مابه‌التفاوت دیه توسط بیمه**
به رغم این مهم در سال‌های گذشته پرداخت دیه از سوی شرکت‌های بیمه در مورد تصادفات در قانون پیش‌بینی شد که بر اساس آن شرکت‌های بیمه‌گر بر اساس قرارداد منعقد شده باید دیه را بدون توجه به جنسیت و مذهب قربانی یا بیمه‌گذار پرداخت کنند. مخالفان طرح معتقد هستند در مورد مابقی انواع صدماتی که خارج از تصادفات رانندگی وارد می‌شود نیز می‌توان راه‌هایی را پیش‌بینی کرد که

این تفاضل دیه از صندوق‌هایی با بودجه عمومی می‌تواند به نفع مردان باشد.
■ **بایست‌المال**
پرداخت شود که هم کمکی به زن و خانواده‌ون بوه و هم سبب تسخیح دیدگاهی شود مبنی بر اینکه ارزش زن نسبت به مرد کمتر است. اما برابری دیه زن و مرد یکی از مواردی است که طبق گفته فراکسیون زنان مجلس از ابتدای تشکیل مجلس دهم به دنبال آن بوده‌اند. طبق گفته پروانه سلحشوری با توجه به رویکردهای قرآنی تلاش بر این بوده است که دیه زن و مرد مساوی شود و در این راستا با جمعی از علمای دین و متخصصان امر و همچنین شورای مشورتی فقهی و حقوقی معاونت رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده جلساتی برگزار و مفاد این طرح آماده شده است.

■ **روایونی با قوانین و اصول**

در نهایت اینکه طبق اصل چهارم از قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و وقتی میزان دیه صدمات وارده به زن از ۳۰ درصد دیه کامل فراتر رود، دیه زن نصف خواهد شد. گفته می‌شود با این سخن از لحاظ موازین فقهی، ارزش انسانی زن نصف ارزش انسانی مرد است، اما در حقیقت علت پیش‌بینی چنین چیزی بیشتر راجع به آن چه که مردان نان آوری خانواده را بر عهده داشتند؛ اما

توقیف، مخاطرات و مفاسدی را به دنبال داشته، نمایندگان در صدد برآمدن تا با اصلاح ماده ۲۴۲ آیین دادرسی کیفری این مدت زمان را کاهش دهند. مطابق با اصلاح این طرح به استثنای جرائم وجود دارد همین حداکثر زمان است که در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مدت بازداشت موقت تا دو سال و در سایر جرائم، تا یک سال قابل تمدید است. ■ **نقدی بر سقف باز در بازداشت موقت**
هر چند باید گفت اگر جرم متهم ثابت شود و محکومیت حبس برایش در نظر بگیرند روزهای بازداشت موقت از زمان محکومیت او کسر خواهد شد اما به هر حال در ایام بازداشت فرد متهم از آزادی رفت‌وآمد محروم شده است و در حقیقت به نوعی قبل از اینکه جرمش ثابت شود محکوم به حبس شد است و در حبس قرار دارد. این موضوع علاوه بر آنکه بار روانی برای متهم دارد، در برخی مواقع بازداشت‌های موقت بیش از حداقل مجازات اصلی (حبس) بوده است.

بر همین اساس و از آنجایی که نگهداری متهم در

تعدیل بازداشت موقت

نمایندگان مجلس طرحی را تصویب کردند که طبق آن سقف مدت بازداشت موقت متهم کاهش پیدا می‌کند

مستوجب اعدام در حدود، هر گاه بازداشت متهم ادامه دارد باید هر یک ماه دو بار قرار صادره مورد بازبینی قرار گیرد. در صورت اباقی قرار باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان حل اختلاف با دادگاه صالح است. در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مدت بازداشت موقت از دو سال و در جرم مربوط به قصاص عضو کامل از یک سال تجاوز نمی‌کند. به گفته محمدعلی یومختر عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، این طرح باعث تغییر رویه در آیین رسیدگی به ویژه در دادسراها می‌شود، به گونه‌ای که بازداشت موقت ضابطه‌مندتر شده و حقوق متهمین تقویت می‌شود، همچنین به روند رسیدگی به پرونده‌ها نیز سرعت بخشیده می‌شود.

جهانبخش محبی‌نیا به عنوان طراح این طرح در توضیح آن می‌گوید: این طرح در راستای بازنگری در قوانین و در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان تدوین و ارائه شده است. وی به مفصّات ماده در حال اجرای ۲۴۲ اشاره و تأکید می‌کند، نباید اجازه داد عدای با قرار تأمین بازی کنند و آن را وسیله‌ای برای ترساندن افراد قرار دهند. محبی‌نیا در نقد مدت زمان طولانی قرارهای تأمین اعتقاد دارد: علاوه بر اینکه با حقوق افراد و آزادی‌های عمومی نامناسب کار است سلامت جسمی و روانی متهمان را با خطر مواجه کرده و صحت اعترافات آنها را زیر سؤال می‌برد و به تبع آن منجر به ایجاد نارضایتی‌های عمومی گسترده می‌شود.

بعد از یک ماه که فرد به دلیل در بازداشت ماند، قاضی باید قرارش را تغییر دهد و متهم آزاد بشود که بیش از این در زندان نماند، چراکه قطعاً این امر هم باعث کاهش زندانبانان و هم تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود.

گزارش یک

میناصدیقی *

اصل «تساوی سلاح‌ها» رکن اصلی دادرسی عادلانه



امروزه با ورود مفاهیم حقوق بشری به قوانین داخلی شاهد تغییرات عمده منافع حقوقی هستیم، با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و پیدایش مفاهیم حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و با تشکیل دادگستری و سازمان‌های قضایی به شکل امروزی، رسیدگی به اختلافات و اتهامات کیفری نیازمند یک دادرسی عادلانه می‌باشد که مستلزم آیین دادرسی از پیش تعیین شده مبتنی بر

سلسله شروط اساسی است. آیین دادرسی کیفری ایران نیز به عنوان قانون شکلی رسیدگی به امور کیفری با منبعت شدن از مفاهیم مبتنی بر داشتن حق دادرسی منصفانه به عنوان حقی از حقوق بشر و حقوق شهروندی، به دنبال برقراری دادرسی عادلانه است.

اصل تساوی سلاح‌ها به معنای برابری حقوق طرفین دعوا و برابری قدرت دفاعی آنان در دادرسی است. گرچه این اصل به طور صریح در قوانین داخلی کیفری ایران نیامده اما به طور ضمنی در مواد مختلف به برقراری عدالت دفاعی طرفین اشاره کرده است. از جمله حق آگاه شدن از اتهامات مطلق ماده ۱۱۹۵. آ.د.ک، حق دسترسی طرفین دعوا به مترجم مطابق مواد ۲۰۰ و ۲۰۱، حق برخورداری طرفین دعوا از وکیل مطابق ماده ۶۸ و...

این اصل در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است تا با ترافیکی کردن هرچه بیشتر رسیدگی در تحقیقات مقدماتی و فراهم آوردن شرایط یکسان برای طرفین، سیستم دادرسی را عادلانه سازند. مبنای حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۴ به‌اصول دادرسی عادلانه پرداخته است. دولت ایران نیز با پیوستن به این میثاق آن را پذیرفته و مطابق ماده ۹ قانون مدنی «مقررات عهودی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

البته حساسیت رعایت این اصل در امور کیفری بیش از امور مدنی است به قدری که اگر نباشد دادرسی کیفری ممکن نخواهد بود زیرا در امور کیفری با نقیضی اختیار تعقیب جرائم به دادستان، اگر تأدبیر حمایتی از متهم لحاظ نگردد دهرایی متهم بی‌گناه از چنگال اتهام سخت خواهد شد. تأدبیری چون اصل برائت، محاکمه علنی، حق حضور متهم در دادگاه یا حق دسترسی به پرونده در تحقیقات مقدماتی و سایر برابری‌ها در زمینه شهادت و شهود که با عدم رعایت هر یک از این حقوق دفاعی، برابری سلاح‌ها نقض می‌شود. البته وقتی سخن از تساوی سلاح به میان می‌آید باید دانست که این اصل مطلق نیست بلکه مطابق شرایط باید سنجیده شود. به نحوی که مطابق عقل و عرف برای یکی از طرفین عدم برابری محسوس و اساسی یا وضعیت نامناسب جدی احساس شود یا بتوان به نقض این اصل متوسل شد. متهم حق دارد که از امکانات کافی برای تدارک دفاع خود بهره‌مند شود.

حق دسترسی به وکیل از اصول اولیه دادرسی عادلانه است چرا که متهم در برابر دادستان به علت ضعف حقوقی خود توان دفاع صحیح را ندارد و این امر را باید به یک وکیل سپارد. در صورت عدم توانایی مالی وی برای وکیل خود دادگاه وکیل تسخیری برای وی معین می‌کند. حق برابری سلاح ایجاب می‌کند که متهم هم در شرایط مساوی با دادستان قرار گیرد و بتواند از شهود پرسش به عمل آورد و شهود خود را احضار کند. میزان فرصت‌های حمایتی که برای دادرسی عادلانه تدبیر شده است باید هم در متن قانون و هم در اجرای سازمان‌های قضایی یکسان اعمال شود. پس به منظور جلوگیری از خودسری برخی نهادها و تجاوز به حقوق و آزادی افراد، رسیدگی باید توأم با رعایت اصول دادرسی منصفانه باشد و از بدون محدودیت در محاکم ذیصلاح باید قابل تجدیدنظر خواهی باشد.

به معنایی، این اصل تضمین حقوق افراد در برابر قدرت است. در فقه اسلامی نیز این اصل در قوایعدی چون «قاعده درء» و «قیح عقاب پلایان» قابل رؤیت است. پس می‌توان گفت اصول مبتنی بر دادرسی منصفانه جهلشمول است و از برای کمکی است تا افراد در باب تضییع حقی از حقوق خود گرتانی نداشته باشند.

■ **کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی**

پیش‌ش حقوقی

اقاله و فسخ معامله چه فرقی با هم دارند؟

اقاله عملی دوجانبه است، یعنی اراده و تصمیم دو طرف یک معامله باید داتر بر برهم زدن آن معامله باشد. اقاله و فسخ معامله با هم تفاوت‌هایی دارند. اقاله اصلاًحلاً به فسخ یا به هم زدن معامله می‌گویند. اقاله عملی دوجانبه است. یعنی اراده و تصمیم دو طرف یک معامله باید داتر بر برهم زدن آن معامله باشند. ممکن است یکی از طرفین معامله از انجام آن معامله با قرارداد پیشمان شده باشد و از طرف مقابل تقاضای به هم زدن یا فسخ قرارداد را نماید و طرف مقابل نیز بپذیرد. در این حالت قرارداد با تصمیم طرفین اقاله یا تفاسخ شده است. در عرف، عموم مردم به جای اصطلاح اقاله یا تفاسخ کلمه فسخ را به کار می‌گیرند که معنای آن متفاوت است. اما منظور همان به هم زدن توافقی قرارداد است که مترادف با اصطلاح اقاله می‌باشد.

در دعای الزام به تمکین، معمولاً در زمان اجرای حکم اشکالاتی به وجود می‌آید و گاهی زوجه از رفتن به منزل شوهر امتناع می‌کند، در این موارد توصیه اجرای حکم چگونه خواهد بود؟

چنانچه حکم دادگاه صرفاً حکم به تمکین باشد وظیفه دادگاه فقط ابلاغ حکم به زوجه است اما اگر دادگاه حکم به الزام زوجه به بازگشت دادسراها می‌شود، به هم زدن معامله با هم زدن معامله مترادف است. یعنی اراده و تصمیم دو طرف یک معامله باید به هم زدن معامله مترادف باشد. ممکن است یکی از طرفین معامله از انجام آن معامله با قرارداد پیشمان شده باشد و از طرف مقابل تقاضای به هم زدن یا فسخ قرارداد را نماید و طرف مقابل نیز بپذیرد. در این حالت قرارداد با تصمیم طرفین اقاله یا تفاسخ شده است. در عرف، عموم مردم به جای اصطلاح اقاله یا تفاسخ کلمه فسخ را به کار می‌گیرند که معنای آن متفاوت است. اما منظور همان به هم زدن توافقی قرارداد است که مترادف با اصطلاح اقاله می‌باشد.

داستان‌ها

نحوه صحیح اعلام ترک کار افراد در لیست بیمه

ترک کار غالباً بابت موارد ترک کار بیمه شده از کارگاه به اختیار خود، اخراج بیمه شده توسط کارفرما، از کار افتادگی یا فوت بیمه‌شده، اعزام بیمه‌شده به خدمت سربازی و بازنشستگی بیمه‌شده اتفاق می‌افتد. در این موارد باید تاریخ دقیق ترک کار در لیست بیمه ثبت شود. این تاریخ همان تاریخی است که بیمه‌شده در سر کار خود حاضر نشده است. به طور مثال اگر بیمه‌شده تا ۸ مرداد در کارگاه مشغول به کار بوده و از فردا دیگر مراجعه نکند، تاریخ فردای آن روز (۹ مرداد) تاریخ ترک کار بوده است. اعلام ترک کار صرفاً در مهلت مقرر جهت ارسال لیست بیمه (ماهی که ترک اتفاق افتاده‌است) قابل انجام است. نکته مهم اینجاست که در خصوص استراحت پزشکی و بارداری نباید ترک کار در لیست اعلام شود.

مدت سر بازی جزو سابقه بیمه محاسبه می‌شود

در خصوص احتساب مدت خدمت نظام وظیفه و حضور در جبهه باید بیان داشت به استناد قانون اصلاح تبصره ماده ۱۴ قانون کار و الحاق یک تبصره به آن مصوب ۸۳/۱۳/۳۰ قانون استفسار به قانون مذکور مصوب ۸۵/۳/۲۸ مجلس شورای اسلامی، مدت خدمت نظام وظیفه با حضور داوطلبانه در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل مشمولانی که دارای دو سال سابقه پرداخت حق بیمه نزد سازمان تأمین اجتماعی می‌باشند در زمان ارائه تقاضا در زمره بیمه‌شدگان قرار دارند با پرداخت حق بیمه در مدت متعلقه قابل احتساب خواهد بود. ضمناً امکان پرداخت حق بیمه برای این قبیل بیمه‌شدگان مشمول به انتخاب متقاضی به طور یکجا یا اقساط ماهانه حداکثر در ۱۲ قسط فراهم است.